

۷۰۰۰ نفر اعدام شدند - تلاش ژنرالها برای قتل هیتلر

ژنرال لودویک بک قرار بود جانشین هیتلر شود و با متفقین صلح کند

هدف ژنرالهای آلمانی نجات آلمان و جان میلیونها نفر بود.

کمی پس از ظهر روز ۲۲ ژوئیه ۱۹۴۴ با انفجار بمب در یک قدمی هیتلر همه تصور کردند او به قتل رسید.

پیشرفت ارتش متفقین در شرق و غرب شکست آلمان را قطعی کرده بود.

هیتلر مجروح شد و جان سالم به در برد

فیلد مارشال رومل «روباه صحرا» با زهر خودکشی کرد.

پیروزی نیروهای متفقین در ششم ژوئن ۱۹۴۴ که موفق شدند در پنج نقطه ساحلی ایالت فرماندی در فرانسه نیرو پیاده کنند، با وجود مقاومت سخت نیروهای رایش سوم بتدریج استوار گردید و آنها موفق شدند مواضع خود را با دادن تلفات زیاد مستحکم کنند.

اواخر ماه ژوئن نیروهای امریکایی، انگلیسی و کانادایی که در روز (ژ) بیش از یکصد کیلومتر در ساحل با هم فاصله داشتند به یکدیگر پیوستند و هر روز پیروزیهای تازه یی به دست آوردند.

هنگامی که موج اول حمله انسانها به ساحل رسید بتدریج صدها هزار سرباز دیگر از انگلستان در ساحل فرانسه پیاده شدند و پیشروی در چند جهت در خاک فرانسه ادامه یافت.

هفدهم ژوئن بندر مهم «شربور» توسط متفقین تسخیر شد.

* پیشروی سریع

در ابتدای ژوئیه از سه میلیون سرباز متفقین که می بایستی با گشودن جبهه دوم از انگلستان به فرانسه می آمدند حدود یک میلیون از اقیانوس گذشته بودند.

هیتلر که متوجه اشتباه خود شده بود و دریافت که جبهه دوم نه در نقطه شمال غربی فرانسه «بندر گاله» بلکه همانطور که مشاوران نظامی او گفته بودند در نرماندی صورت گرفته است، به تلاش افتاد که نیروهای خود را از جبهه های دیگر از جمله شمال ایتالیا، بالکان و شرق اروپا به جبهه غرب بفرستند. اما دیگر خیلی دیگر شده بود و متفقین با شتاب به سوی مرکز و شرق

فرانسه پیشروی می کردند.

پیکار در بعضی نقاط از جمله شهر مهم «کان» (CAEN) در نرماندی و نه شهر گن در جنوب فرانسه و نزدیک شهر نیس بسیار بسیار خونین و وحشتناک بود.

نیروهای طرفین سرسختانه مقاومت می کردند، برای سربازان آلمانی پیکار جنبه حیاتی داشت و بودن یا نبودن مطرح بود ولی مقاومت آلمانیان با سیل سربازان متفقین همراه با سلاحهای نوین در واقع بیهوده بود.

* پیروزیهای تازه

هر سربازی که از طرفین جان می باخت سرباز تازه نفسی جای او را می گرفت. ژنرال مشهور امریکایی «پاتن» (PATTON) که در حمله به جنوب ایتالیا نقش مهمی ایفا کرده بود با سومین ارتش امریکا هر روز پیروزی تازه یی به دست می آورد. او طی چندروز ایالت «برتانی» در جنوب نرماندی را تسخیر کرد.

از ۱۴۰۰ تانک سهمگین آلمانها «پانزر» که در دفاع نرماندی شرکت داشتند بیش از ۱۴۰ تانک باقی نمانده بود.

* ۱۵۰ کیلومتری پاریس

هیتلر مرتب فرماندهان جبهه ها را عوض می کرد ولی شکست برای ارتش رایش سوم ادامه می یافت. در ماه اوت متفقین در ۱۵۰ کیلومتری پاریس بودند و مردم شهرها و نهضت مقاومت فرانسه شکست ارتش رایش سوم را تسریع می کردند.

* میهن بالاتر از جان

در اواخر ژوئن یعنی ۲۴ روز پس از افتتاح جبهه دوم بعضی فرماندهان عالی ارتش آلمان دریافتند که اگر هیتلر همچنان در رأس رایش سوم باقی بماند شکست آلمان قطعی است و دیگر نجاتی برای میهن آنها باقی نخواهد ماند.

ژنرالها می دانستند اگر طرح آنها در مورد سوءقصد به جان هیتلر افشا شود همگی اعدام خواهند شد ولی نجاتی میهن شان رامهمتر از جان خود می دانستند.

* رمز

سرهنگ «اشتاوفنبرگ» معاون فرمانده کل نیروهای داخلی بود که سه بار در هفته با هیتلر ملاقات می کرد. چندتن از ژنرالهای عالی رتبه ارتش آلمان پنهانی با او تماس گرفته و او را راضی کردند که در یکی از جلساتی که با هیتلر شرکت می کند با قرار دادن بمبی هیتلر را هلاک کند.

ژنرالهای آلمانی بین خود کلمه رمزی قرار دادند تا اگر هیتلر کشته شد با این رمز به یکدیگر که در جبهه های مختلف بودند خبر دهند. فیلدمارشال رومل که فرمانده جبهه غرب بود در این توطئه شرکت داشت. هیتلر و موسولینی در اتاقی که بمب در آن

منفجر شد

* انفجار بمب

توطئه در پناهگاه مستحکم هیتلر در پروس شرقی و در اتاق کار هیتلر صورت گرفت.

در حالی که «پیشوا» با ذره بین روی نقشه جنگی خم شده بود و گزارشهای خیلی بدی از جبهه شرق به او داده می شد صدای انفجار شدیدی در اتاق شنیده شد که همه تصور کردند هیتلر کشته شده است.

سرهنگ «اشتاوفنبرگ» (STAUFFENBERG) چندلحظه قبل در اتاق هیتلر بود و بدون آنکه کسی متوجه او شود بمب ساعتی خود را که در یک کیف مخفی کرده بود زیر میز قرار داد و از اتاق خارج شد.

سرهنگ «اشتاوفنبرگ» مورد اعتماد شخص هیتلر بود و هیچ کس به او مظنون نمی شد. هنگامی که صدای انفجار آمد

سرهنگ «اشتاوفنبرگ» نگاهی به ساعت خود انداخت دوازده و چهل و دودقیقه ۲۲ ژوئیه ۱۹۴۴ بود.

* دولت جدید

خبر قتل هیتلر با همان علامت رمز به سایر ژنرالهای شرکت کننده در توطئه اطلاع داده شد. توطئه کنندگان قرار گذاشته بودند

ژنرال «لودویک بک» (LVLWIG-BECK) رییس سابق ستاد ارتش را که در سال ۱۹۳۸ به علت مخالفت با طرح هیتلر از

سمت خود استعفا داده بود موقتاً رییس کشور آلمان شود.

«کارل گوردلر» (CARL-GOERDELER) شهردار سابق لایپزیک صدراعظم شود و ویلهلم لوشنر

(LEUSCHNER) رهبر سابق سندیکاها به عنوان معاون صدراعظم، اداره آلمان را به عهده بگیرد. مارشال رومل باید

فرمانده کل ارتش می شد «والریخ فون هاسال» سفیر آلمان در رم پیش از جنگ وزیر امور خارجه شود.

* مجروح شدن رومل

از دوازده وزیری که توطئه گران انتخاب کرده بودند فقط دوتن نظامی بودند رومل و «بک» (BECK) مارشال «رومل» که

فرمانده ارتش رایش سوم در جبهه غرب بود سه روز قبل در حالی که با جیب خود حرکت می کرد مورد حمله یک هواپیمای

شکاری انگلیسی قرار گرفت و مجروح شده بود.

هنگامی که در اتاق کار هیتلر بمب منفجر شد، سرهنگ فن اشتاوفنبرگ تصور کرد مأموریت خود را بخوبی انجام داده است. او ۳۷ سال داشت.

سرهنگ فن اشتاوفنبرگ براحتی از نگهبانی گذشت و خود را به هواپیمایی که در انتظارش بود رساند.

«اشتاوفنبرگ» ساعت یک و پانزده دقیقه بعد از ظهر با هواپیما به سوی برلن رفت. همکارانش در پایتخت در انتظار او بودند. سرهنگ پس از سه ساعت پرواز مستقیم به وزارت جنگ رفت و بسیار خوشحال بود و یقین داشت که هیتلر کشته شده است. * یک تصادف

دوستان او در برلن از طریق رادیو دریافته بودند که هیتلر نمرده و فقط مجروح شده است. زیرا کیفی که سرهنگ در آن بمب گذاشته بود تصادفاً توسط یکی از حاضران در جلسه جابه جا شده بود. با انفجار بمب چهار نفر کشته شدند. همه به «فن اشتاوفنبرگ سوءظن بردند زیرا یک سروان دیده بود که کیف را او در زیر میز قرار داده بود. هیتلر دریافت که قصد جان او را کرده بودند.

* دیدار با موسولینی

او که مجروح شده بود روحیه خود را حفظ کرد و از موسولینی که به دیدارش آمده بود استقبال کرد. سرهنگ فن اشتاوفنبرگ در نبرد شمال آفریقا یک چشم و یک دست خود را از دست داده بود و چند روز پیش از انفجار بمب به همسرش گفت «اینک احساس می کنم که من باید کاری برای آلمان انجام دهم» ما افسران باید مسؤولیتی را که داریم انجام دهیم.» هدف توطئه گران علیه هیتلر صلح با متفقین بود. آنها دریافته بودند دیگر مقاومت بیهوده است و با اقدام خود هنوز می توانند حیثیت آلمان و جان صدها هزار نفر دیگر را نجات دهند و به واقع چنین بود.

* نطق هیتلر

خبر سوءقصد به هیتلر به سرعت در آلمان و جهان پخش شد و هیتلر شخصاً نطقی از رادیو ایراد کرد که همگان یقین کنند او هنوز زنده است.

هیتلر چنین شروع کرد:

* دوستان آلمانی من!

اگر من امروز با شما سخن می گویم نخست برای این است که شما صدای مرا بشنوید و بدانید که من بی آسیب و سالمم. دوم

اینکه شما باید از جنایتی که در تاریخ آلمان نظیر نداشته است آگاه شوید.

یک دسته کوچک از افسران جاه طلب بی مسؤولیت و در عین حال بی احساس و بی شعور توطئه‌ی برای برانداختن من و ستاد فرماندهی عالی ارتش ترتیب داده بودند که بدون رحم منهدم خواهند شد.»

پس از نطق هیتلر موج بزرگی از دستگیری و شکنجه‌های وحشتناک به وجود آمد و احکام اعدام پی در پی صادر شد.

* هفت هزار اعدامی

خویشان و دوستان اشخاص مشکوک هزاره‌زار گردآوری و به اردوگاه‌های کار اجباری فرستاده شدند که بسیاری از آنها مردند. «فرایشلر» از طرف هیتلر رییس دادگاه قلبی خلق شد و دستور قتل صدها نفر را به اتهام شرکت در توطئه صادر کرد. هیچ یک از نظامیان در دادگاه و لحظه‌ی که تیرباران می شدند از خود ضعف نشان ندادند و شعار همه آنها در آخرین لحظه حیات این بود: «زنده باد میهن ما آلمان»

در اوراق گشتاپو ذکر شده است که هفت هزار نفر اعدام شدند.

مارشال رومل را توسط دواس، اس که از آلمان آمده بودند به جنگل بردند و با آگاهی خودش سم خورد و درگذشت و این بود پایان زندگی روباه صحرا و فرمانده ارتش رایش در جبهه غرب.